

کتیبه مسجد جامع گلپایگان

بهناز رضایی

گلپایگان از شهرهای باستانی استان اصفهان است که در دوران ساسانی ورتپاتکان (شهر یا سرزمین ورتپات) و پس از اسلام جرفاذقان نامیده شد.^۱

مسجد جامع گلپایگان که در اصل بر روی یک آتشکده ساسانی بنا شده در زمان حکومت ابوشجاع محمد بن ملکشاه سلجوقی (حکومت ۴۹۸-۵۱۲ هـ. ق) ساخته شد و در طول تاریخ بارها و بارها مرمت و بازسازی گردید و نام معمار آن **ابوعمر بن محمد قزوینی** است. این بنا در تاریخ ۹ مرداد ماه سال ۱۳۱۲ هـ. ش در فهرست آثار ملی ایران به شماره ۱۹۱ ثبت شده است.^۲

رساله **کتیبه مسجد جامع گلپایگان** یا به اختصار **مسجد جامع گلپایگان** را **فضل الله بروجردی** در عصر ناصری نوشته است و نسخه منحصر به فرد آن به شماره ۶۱۹۶/۱۳ در مجموعه ۱۵۷۷ در **کتابخانه ملی ملک** نگهداری می شود.^۳ این نسخه در ۲ صفحه ۲۵ سطری به خط شکسته نستعلیق، به تاریخ کتابت ۱۳۰۲ هـ ق ظاهراً به خط مؤلف و در ابعاد $۱۷/۷ \times ۱۰/۸$ سانتی متر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

چون حقیر راقم الحروف **فضل الله** المعروف به **شمس العلماء بروجردی** ابن الفاضل العالم العامل الكامل، خیرالمحققین و المدققین^۴، افضل العلماء و المجتهدین، ابوالایتام، سلمان عصره و مجتهد زمانه، **آخوند ملا زین العابدین بروجردی** (نور الله مضجعه الشریف)^۵ مدت زمانی بود [که] در **گلپایگان** خدمت ذیمسره^۶ مقرب الخاقان، معتمد السلطان، حکمران ملک **گلپایگان**، آقای **میرزا یحیی خان**^۷ (سلسله الله تعالی من الشورور و الحرمان و خلدها الی ظهور صاحب الزمان عجل الله فرجه، فی تلك الاوان و جعله و ایانا من اصحابه الکرام) موفق حضور ایشان بوده و کسب کمالات طاهری و معنوی از ایشان

می‌نمودم، من جمله تعلیم جزئیات خط کوفی را از ایشان درک نموده، معلوم شد که در **گلپایگان، مسجد جامعی** از بناهای قدیم است.

چون با جناب مستغنی الاقالب^۸، **آخوند ملا محمد رضای** معروف به **قطب**، در آن مسجد رفتیم، ملاحظه شد [که] بنایی است بسیار «محکم» و «مرتفع» و «عالی» و در اطراف و جوانب آن خط کوفی، **کتیبه نویسی** که الحق به این خوبی کمتر دیده شده است.

حروفاتی از گل ساخته و بریده، به نحوی که هر حرفی دارای اجزایی چند است. بعد آنها را به نحو آجر پخته، و بعد در میان آجرها به کار برده‌اند، به نحوهای خوش و دلکش، که وصفش به تقریر و تحریر مشکل است. چند کلمه را که جناب **قطب** می‌توانستند بخوانند، تعلیم نمودند. بعد، حقیر راقم مکرر در آن مسجد رفته به سبب کثرت^{۱۰} ممارست، انس به آن خط گرفتم و جمیع آنها را خواندم و قاعده نوشتن و رسم الخط آنها را ملتفت شدم. و آنچه در اطراف و جوانب مسجد نوشته شده است، به خط کوفی، از قراری است که در ذیل نوشته شده است. چون خواهش شد، اطاعت شد.

در هشت سطر مربع کوچک، که در دو طرف چهار کنج واقعند:

العزة لله [سطر ۱]

محمد رسول الله [سطر ۲]

القدرة لله [سطر ۳]

الملك لله [سطر ۴]

العزيمة لله^{۱۱} [سطر ۵]

الكبرياء لله [سطر ۶]

الشكر لله^{۱۲} [سطر ۷]

المنة لله [سطر ۸]

در پنج سطری که در بالای طاق‌ها، زیر کتیبه دور طاق واقعند:

من ابغض^{۱۳} صدیقاً كافراً^{۱۴} بالله^{۱۵} زنديقاً^{۱۶} [سطر ۱]

و من ابغض عمر فماواه^{۱۷} السقر^{۱۸} [سطر ۲]

و من ابغض عثمان فخصمه الرحمن [سطر ۳]

و من ابغض علی فخصمه النبی [سطر ۴]

رضوان الله عليهم اجمعين [سطر ۵]

آنچه در هشت دایره که در دو طرف چهار کنج واقعند، و جمیع آنها دارای یک مضمون اند و به نحو **چلیپا** نوشته اند، غیر رسم الخط متعارف کتیبه است:

الله محمد بوبکر^{۱۹} عثمان علی

در طاقی که فوق طاق محراب بزرگ واقع است، دو سطر کوچک است و هشت دایره و دو نیم دایره و یک سطر طولی است.

دو سطر کوچک:

عمل ابی عمر ابن محمد القزوینی [سطر ۱]

المعروف به واشاکویان^{۲۰} [سطر ۲]

دایره ها:

لا اله الا الله وحده لا شریک له

الهاً واحداً احداً فرداً و تراحياً^{۲۱}

قیوما دائماً^{۲۲} لم يتخذ صاحبه ولا ولدا

صادقاً^{۲۳} قال الله^{۲۴} تعالی

سطر طویل:

انّ للمُتَّقِينَ مَفَازاً

حَدَائِقَ وَاَعْنَاباً

وَ كَوَاعِبَ اُتْرَاباً وَ كَاساً دِهَاقاً^{۲۵}.

در بالای خود محراب به نحو هلالی:

بسم الله الرحمن الرحيم، قل هو الله احد، الله الصمد، لم يلد و لم يولد^{۲۶}، و لم يكن^{۲۷} له كفواً احد^{۲۸}.

یک سطر فوق قل هو الله:

لیس کمثله شیء و هو السميع البصیر^{۲۹}

در بالای محراب کوچک، بالای محراب بزرگ:

اقبل علی صلاتک و لا تکن من الغافلین

در دور همین محراب کوچک:

بسم الله الرحمن الرحيم، اقم الصلوة لدلوك الشمس الى غسق الليل و قران الفجر ان قران الفجر كان مشهوداً^{۳۰}.

در دور طاق فوق این دو محراب:

خیر الناس بعد الرسول، صلی الله علیه و سلم، ابوبکر صدیق، ثم عمر الفاروق، ثم عثمان ذی النورین، ثم علی المرتضی و طلحه و زبیر و سعد^{۳۱} و سعید^{۳۲} و عبدالرحمن ابن عوف و ابو عبیده ابن الجراح و معاویه خالی و خال المومنین^{۳۳} (رضوان الله علیهم اجمعین و علی محببهم رحمة رب العالمین و علی مبغضیهم لعنة رب العالمین).

در سه سطر دور طاق محراب بزرگ:

بسم الله الرحمن الرحيم، امن الرسول بما انزل اليه من ربه و المومنون كل امن بالله و ملائکته و کتبه و رسله لا نفرق بین احد من رسله و قالوا سمعنا و اطعنا غفرانک ربنا و الیک المصیر لا یکلف الله نفساً الا ووسعها لها ما کسبت و علیها ما اکتسبت ربنا لا تواخذنا ان نسينا او

اخطانا ربنا و لا تحمل علينا اصرا كما حملته على الذين من قبلنا ربنا و لا تحملنا مالا طاقة لنا به واعف عنا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولينا فانصرنا على القوم الكافرين^{۳۵}.

بسم الله الرحمن الرحيم، قد افلح المومنون الذين هم في صلاتهم خاشعون و الذين هم عن اللغو معرضون و الذين هم للزكوة فاعلون و الذين هم لفروجهم حافظون الا على ازواجهم او ما ملكت ايمانهم فانهم غير ملومين فمن ابتغى وراء ذلك فاوئلك هم العادون و الذين هم لاماناتهم و عهدهم راعون و الذين هم على صلواتهم يحافظون اولئك هم الوارثون الذين يرثون الفردوس هم فيها خالدون و لقد خلقنا الانسان من سلاله من طين ثم جعلناه نطفه في قرار مكين ثم خلقنا النطفه علقه فخلقنا العلقه مضغه فخلقنا المضغه عظاما فكسونا العظام لحما ثم انشانا خلقاً اخر فتبارك الله احسن الخالقين^{۳۶}. امر ببناء هذه القبه الشيخ الصابر المزكي ابونصر ابراهيم ابن محمد ابن ابراهيم بابا عبد الملك.

آنچه در کتیبه دور طاق است:

بسم الله الرحمن الرحيم، انما يعمر مساجد الله من امن بالله و اليوم الاخر و اقام الصلوة و اتى الزكوة و لم يخش لا الله فعسى اولئك ان يكونوا من المهتدين. امر ببناء هذه القبه في ايام الملك العادل السلطان المعظم، شاهنشاه^{۳۷} الاعظم، مولی العرب و العجم، ابو شجاع محمد ابن ملكشاه قسيم جاه^{۳۸} ضوء بالمومنين^{۳۹} الققير الى رحمة الله و الراجي بعفو الله ابو نصر ابراهيم ابن محمد ابن ابراهيم بابا عبد الملك.

جميع آنچه در قبه بود، مرقوم شد.

توضیح آن که **ابو شجاع محمد ابن ملكشاه** ابن آلب ارسلان سلجوقی، آنچه در **تاریخ ابن خلکان** می نویسد در سنه چهار صد و نود و دو یا پنج، **محمد شاه** اول سلطنت او بوده است و فوت او در سنه پانصد و یازده بوده است.

لهذا بنای این قبه تا هذه السنه که هزار و سی صد و دو است، تقریباً هشتصد سال است.

از ناظرین و مستمعین التماس دعا دارم. فی شوال المکرم سنه ۱۳۰۲ [هـ ق].

پی نوشت ها:

- ۱- گلپایگان در گذر زمان، ۱۱-۱۴.
- ۲- آثار ثبت شده ایران در فهرست آثار ملی، ۷۰.
- ۳- فهرستواره کتابهای فارسی، ۲۵۲/۱. نسخه ها، ۳۹۸۵/۶.
- ۴- جمع مدقق، به معنای باریک گرداننده، کار دقیق کننده، عارف کامل که حقیقت اشیا به طوری که شایسته است بر او ظاهر شده است.
- ۵- جمله فعلی دعایی، به معنای خداخواهگاه (آرامگاه) شریف او را نورانی کناد. (فرهنگ فارسی معین، ۳۸۷۲/۴).
- ۶- صاحب شادمانی، خداوند سرور.

۷- میرزا یحیی خان معظم السلطان گلپایگانی حاکم گلپایگان در عصر ناصرالدین شاه قاجار (شرح حال رجال ایران، ۱۴۹/۶). فرزند وی به نام میرزا محمد خان معظمی در دوره های پنجم و ششم مجلس شورای ملی (۱۳۰۲ و ۱۳۰۵ ه. ش) نماینده مردم گلپایگان بود و بین سالهای ۱۲۵۴ تا ۱۳۱۲ ه. ق می زیست (القاب رجال دوره قاجاریه، ۱۶۳-۱۶۴).

۸- بی نیاز از لقب ها.

۹- طرز، شیوه، اسلوب، قسم.

۱۰- در اصل: کثره

۱۱- نویسنده این واژه را اشتباه خوانده و در اصل العظمه است (گلپایگان در گذر زمان، ۱۱۱، بررسی کتیبه های مسجد جامع گلپایگان، ۱۵).

۱۲- آقای عبدالله قوچانی آن را السلطان لله خوانده است (بررسی کتیبه های مسجد جامع گلپایگان، ۱۵).

۱۳- در حاشیه این نسخه شخص دیگری در ۱۱ سطر جملاتی توهین آمیز خطاب به خلفای صدر اسلام نوشته است و بر روی ۳ سطر ۱ تا ۳ کتیبه خط کشیده است.

۱۴- کان (بررسی کتیبه های مسجد جامع گلپایگان، ۱۶).

۱۵- والله (بررسی ...، ۱۶).

۱۶- زندیقاً (بررسی ...، ۱۶).

۱۷- فمأویه (بررسی ...، ۱۶).

۱۸- سقر (بررسی ...، ۱۶).

۱۹- ابوبکر (بررسی ...، ۱۶).

۲۰- آقای عبدالله قوچانی آن را بواساکترا خوانده است (بررسی کتیبه های مسجد جامع گلپایگان، ۱۶).

۲۱- حیا صمدا (گلپایگان در گذر زمان، ۱۱۱).

۲۲- دائما ازلیا (گلپایگان در گذر زمان، ۱۱۱).

۲۳- محمد رسول الله صادقا (گلپایگان در گذر زمان، ۱۱۱) الموا ... صمد بیتی محمد رسول الله صادقا (بررسی کتیبه ها ...، ۱۵-۱۶).

۲۴- آقای عبدالله قوچانی آن را قالا خوانده است (بررسی کتیبه های ...، ۱۶).

۲۵- سوره نبأ آیات ۳۱ تا ۳۴. «مسلماً پرهیزگاران را رستگاری است، باغچه ها و تاکستانها و دخترانی همسال با سینه های برجسته و پیاله های لبالب».

۲۶- آقای عبدالله قوچانی لو خوانده است (بررسی کتیبه های ...، ۱۳).

۲۷- آقای عبدالله قوچانی یک خوانده است (بررسی کتیبه های ...، ۱۳).

۲۸- سوره اخلاص، آیات ۱ تا ۴. «بگو او خدایی است یکتا، خدای صمد، نه کس را زاده، نه زاییده از کس و او را هیچ همتایی نباشد».

۲۹- سوره شوری، آیه ۱۱؛ «چیزی مانند او نیست، و اوست شنوای بینا».

۳۰- سوره اسراء، آیه ۷۸؛ «نماز را از زوال آفتاب تا نهایت تاریکی شب برپا دار و نیز نماز صبح را؛ زیرا نماز صبح همواره مقرون با حضور فرشتگان است».

۳۱- منظور سعد بن ابی وقاص است از یاران پیامبر و عشره مبشره، از مشاهیر سرداران صدر اسلام ملقب به شهسوار اسلام.

۳۲- شاید منظور وی سعید بن عاص یا سعید بن عثمان یا سعید بن جبیر بوده است.

۳۳- آقای عبدالله قوچانی معاویه خالی و خال المؤمنین را نخوانده است (بررسی کتیبه‌های ...، ۱۴-۱۵).

۳۴- در اصل: کسبت.

۳۵- سوره بقره، آیات ۲۸۵ و ۲۸۶؛ «پیامبر [خدا] بدان چه از جانب پروردگار بر او نازل شده است، ایمان آورده است؛ و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و فرستادگانش ایمان آورده‌اند و [گفتند]: میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمی‌گذاریم و گفتند: «شنیدیم و گردن نهادیم، پروردگارا، آموزش تو را [خواستاریم] و فرجام به سوی تو است». خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی اش تکلیف نمی‌کند. آنچه [از خوبی] به دست آورده به سود او و آنچه از [بدی] به دست آورده، به زیان اوست. پروردگارا، هیچ بار گرانی بر [دوش] ما مگذار؛ همچنان که بر [دوش] کسانی که پیش از ما بودند نهادی. پروردگارا و آنچه تاب آن نداریم بر ما تحمیل مکن و از ما درگذر و ما را ببخشای و بر ما رحمت آور، سرور ما تویی، پس ما را بر گروه کافران پیروز کن» (ترجمه محمد مهدی فولادوند).

۳۶- سوره مؤمنون، آیات ۱ تا ۴. «به راستی که مؤمنان رستگار شدند، همانان که در نمازشان فروتن‌اند، و آنان که از بیهوده روی گردان‌اند، و آنان که زکات می‌پردازند، و کسانی که پاکدامن‌اند، مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده‌اند، که در این صورت بر آنها نکوهشی نیست. پس هر که فراتر از این جوید، آنان از حد در گذران‌اند، و آنسان که امانت‌ها و پیمان خود را رعایت می‌کنند، و آنان که بر نمازهایشان مواظبت می‌نمایند، آنان‌اند که خود وارثان‌اند، همانان که بهشت را به ارث می‌برند و در آنجا جاودان می‌مانند. و به یقین انسان را از عصاره ای از گل آفریدیم. سپس او را [به صورت] نطفه‌ای در جایگاهی استوار قرار دادیم. آنگاه نطفه را به صورت علقه (آویزک) در آوردیم. پس آن علقه را مضغه گردانیدیم و آنگاه مضغه را استخوان‌هایی ساختیم، بعد استخوان‌ها را با گوشتی پوشانیدیم. آنگاه [جنین را] آفرینشی دیگر پدید آوردیم. آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است».

۳۷- شاهانشاه (بررسی کتیبه‌های ...، ۱۷).

۳۸- در منابع معاصر واژه جاه نیامده است. (مسجد جامع گلپایگان، ۸۵؛ بررسی کتیبه‌های مسجد جامع گلپایگان، ۱۷؛ گلپایگان در گذر زمان، ۱۱۶).

۳۹- امیرالمؤمنین (مسجد جامع گلپایگان، ۸۵).

منابع:

- ۱- پازوکی، ناصر: آثار ثبت شده ایران در فهرست آثار ملی، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ۱۳۸۴.
- ۲- سلیمانی، کریم: القاب رجال دوره قاجاریه، نشر نی، تهران، ۱۳۷۹.
- ۳- قوچانی، عبدالله: بررسی کتیبه‌های مسجد جامع گلپایگان، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ۱۳۸۳.
- ۴- میر محمدی، حمیدرضا: سیری در تاریخ و جغرافیای گلپایگان، کنگره بزرگداشت علمای گلپایگان، ۱۳۸۰.
- ۵- بامداد، مهدی: شرح حال رجال ایران، نشر زوار، تهران، ۱۳۴۷-۱۳۵۱، ۶ جلد.
- ۶- معین، محمد: فرهنگ فارسی معین، انتشارات سی گل، ۱۳۸۲، ۶ جلد.

- ۷- افشار و دانش پژوه، ایرج و محمد تقی: **فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک**، کتابخانه ملک، ۱۳۶۳، جلد پنجم.
- ۸- منزوی، احمد: **فهرستواره کتابهای فارسی**. مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۲، چاپ دوم، جلد اول.
- ۹- فولادوند، محمدمهدی (ترجمه): **قرآن کریم**، دارالقرآن الکریم، تهران، ۱۳۸۱، چاپ دوم.
- ۱۰- اشراقی، فیروز: **گلپایگان در آیین تاریخ**، انتشارات چهار باغ، اصفهان، ۱۳۸۳.
- ۱۱- افاضلی، اکبر: **گلپایگان در گذر زمان**، کنگره بزرگداشت علمای گلپایگان، ۱۳۸۰.
- ۱۲- میرمحمدی، حمید رضا: **مسجد جامع گلپایگان**، فصلنامه علمی پژوهشی مسجد، شماره ۵۱، ص ۸۲-۸۷.

